



بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول

فرانک صالحی

کارشناسی ارشد روانشناسی گرایش بالینی، دانشگاه آزاد سلامی واحد بوکان،
بوکان، ایران

Salehi1377.faranak13@gmail.com



MDOI-02-2026.0341

MNR-255-2-0D2480

چکیده: تقلب تحصیلی یکی از مهم‌ترین رفتارهای ناسازگار در محیط‌های آموزشی است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل شناختی و هیجانی مختلف قرار گیرد. دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری به دلیل تجربه مکرر شکست تحصیلی، اضطراب و فشار روانی، بیش از سایر دانش‌آموزان در معرض گرایش به رفتارهای ناسازگار از جمله تقلب تحصیلی قرار دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان انجام شد. **روش پژوهش:** توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان در سال تحصیلی مورد مطالعه بود که از میان آنان 200 نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه کمال‌گرایی منفی، مقیاس نشخوار فکری نولن-هوکسما (Nolen-Hoeksema, 2008)، مقیاس اضطراب برمنر و همکاران (Bremner et al., 1997) و پرسشنامه گرایش به تقلب تحصیلی بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و تحلیل اثر تعدیل‌گری در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. **یافته:** یافته‌های پژوهش نشان داد که بین کمال‌گرایی منفی و گرایش به تقلب تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین اضطراب با گرایش به تقلب تحصیلی رابطه مثبت و معناداری داشت. نتایج نشان داد که نشخوار فکری به تنهایی رابطه معناداری با گرایش به تقلب تحصیلی ندارد، اما اضطراب در رابطه بین نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی نقش تعدیل‌کننده معناداری ایفا می‌کند. افزون بر این، اضطراب رابطه بین کمال‌گرایی منفی و گرایش به تقلب تحصیلی را نیز به‌طور معناداری تعدیل کرد. **نتایج:** بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که عوامل هیجانی و شناختی، به‌ویژه اضطراب و کمال‌گرایی منفی، نقش مهمی در بروز رفتارهای ناسازگار تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری دارند. بنابراین، طراحی مداخلات روان‌شناختی با هدف کاهش اضطراب، اصلاح الگوهای شناختی ناسازگار و ارتقای مهارت‌های مقابله‌ای می‌تواند در کاهش گرایش به تقلب تحصیلی در این دانش‌آموزان مؤثر باشد.



کلید واژه: اضطراب، کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری، تقلب تحصیلی، اختلالات یادگیری

مقدمه

تقلب تحصیلی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های نظام آموزشی در جوامع معاصر است که نه تنها اعتبار فرایند ارزشیابی آموزشی را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوهای رفتاری ناسالم در ابعاد فردی و اجتماعی شود. گسترش رفتارهای متقلبانه در محیط‌های آموزشی طی سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران حوزه روان‌شناسی تربیتی و علوم رفتاری را به عوامل مؤثر بر این پدیده جلب کرده است. تقلب تحصیلی رفتاری است که در آن دانش‌آموز یا دانشجو برای کسب موفقیت تحصیلی از شیوه‌های غیرقانونی و غیراخلاقی استفاده می‌کند؛ رفتارهایی مانند کپی‌برداری در امتحانات، استفاده غیرمجاز از منابع، جعل تکالیف یا سوء استفاده از تلاش دیگران. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که تقلب تحصیلی صرفاً ناشی از ضعف اخلاقی نیست، بلکه حاصل تعامل پیچیده عوامل شناختی، هیجانی، شخصیتی و محیطی است (Treviño, 1993 & McCabe؛ جلالی و همکاران، 1401).

در محیط‌های آموزشی، فشار برای موفقیت تحصیلی، رقابت شدید، انتظارات خانواده و ترس از شکست می‌توانند دانش‌آموزان را در معرض تنش‌های روان‌شناختی قابل توجهی قرار دهند. زمانی که فرد توانایی کافی برای مقابله سازگارانه با این فشارها را نداشته باشد، ممکن است برای دستیابی به موفقیت یا اجتناب از شکست، به رفتارهای ناسالمی مانند تقلب تحصیلی متوسل شود. در این میان، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های شناختی نقش مهمی در نحوه مواجهه دانش‌آموزان با فشارهای تحصیلی دارند. برخی دانش‌آموزان در برابر ناکامی‌های تحصیلی از راهبردهای حل مسئله و سازگارانه استفاده می‌کنند، در حالی که برخی دیگر به دلیل برخورداری از الگوهای فکری منفی و هیجانات ناسازگار، آمادگی بیشتری برای بروز رفتارهای مخرب دارند (کاظمی و مرادپور، 1403).

دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در محیط‌های آموزشی محسوب می‌شوند. این دانش‌آموزان معمولاً علی‌رغم داشتن هوش طبیعی، در فرایند یادگیری، خواندن، نوشتن یا محاسبات ریاضی با مشکلات قابل توجهی مواجه‌اند و همین مسئله موجب افت تحصیلی، کاهش اعتمادبه‌نفس و تجربه مکرر شکست می‌شود. تکرار ناکامی‌های آموزشی می‌تواند احساس نابسندگی، اضطراب و درماندگی روان‌شناختی را در آنان افزایش دهد و زمینه را برای بروز رفتارهای ناسازگار فراهم سازد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری بیش از سایر دانش‌آموزان در معرض مشکلات هیجانی، اضطراب عملکرد و رفتارهای اجتنابی قرار دارند (حسینی و همکاران، 1402؛ نوری و همکاران، 1402). در چنین شرایطی، احتمال دارد برخی از این دانش‌آموزان برای جبران ضعف عملکرد تحصیلی یا کاهش فشار روانی ناشی از شکست، به رفتارهایی مانند تقلب تحصیلی روی آورند.

یکی از متغیرهای روان‌شناختی مهم که می‌تواند در شکل‌گیری رفتارهای ناسازگار تحصیلی نقش داشته باشد، کمال‌گرایی منفی است. کمال‌گرایی به‌طور



کلی به گرایش فرد برای دستیابی به استانداردهای بالا و عملکرد بدون نقص اشاره دارد؛ با این حال، پژوهشگران میان کمالگرایی سازگارانه و ناسازگارانه تمایز قائل شده اند. کمالگرایی منفی یا ناسازگارانه با نگرانی افراطی درباره اشتباهات، ترس از شکست، خودانتقادی شدید و احساس ناکافی بودن همراه است. افراد دارای کمالگرایی منفی معمولاً ارزشمندی خود را وابسته به موفقیت کامل می دانند و در صورت تجربه شکست، دچار اضطراب، ناامیدی و احساس بی کفایتی می شوند (پارکر و ابلار، 2020).

پژوهش های متعددی نشان داده اند که کمالگرایی منفی با طیف وسیعی از مشکلات روان شناختی مانند افسردگی، اضطراب، فرسودگی تحصیلی و رفتارهای ناسازگار ارتباط دارد. دانش آموزانی که استانداردهای غیرواقع بینانه برای خود تعیین می کنند، در مواجهه با احتمال شکست ممکن است دچار فشار روانی شدید شوند و برای حفظ تصویر ذهنی مطلوب از خود، به رفتارهای جبرانی از جمله تقلب تحصیلی متوسل شوند. در واقع، هنگامی که موفقیت تحصیلی برای فرد به یک معیار مطلق ارزشمندی تبدیل شود، احتمال استفاده از راهبردهای ناسالم برای دستیابی به موفقیت افزایش می یابد (کاظمی و مرادپور، 1403). از این رو، بررسی نقش کمالگرایی منفی در گرایش به تقلب تحصیلی می تواند در شناخت ریشه های روان شناختی این رفتار اهمیت زیادی داشته باشد.

علاوه بر کمالگرایی منفی، نشخوار فکری نیز یکی دیگر از عوامل شناختی مهم مرتبط با مشکلات هیجانی و رفتاری است. نشخوار فکری به الگویی از تفکر تکراری، منفعلانه و متمرکز بر هیجانات منفی و علل و پیامدهای آنها اشاره دارد. افراد دارای نشخوار فکری معمولاً به جای تمرکز بر حل مسئله، بارها افکار منفی، شکست ها و نگرانی های خود را مرور می کنند. این فرایند ذهنی می تواند شدت هیجانات منفی را افزایش داده و توانایی فرد برای تصمیم گیری منطقی و مقابله مؤثر با مشکلات را کاهش دهد (مورو و نولن، 1991).

نظریه پردازان حوزه شناختی معتقدند که نشخوار فکری موجب تداوم خلق منفی، کاهش انعطاف پذیری شناختی و افزایش آسیب پذیری روان شناختی می شود. افرادی که درگیر نشخوار فکری هستند، معمولاً توانایی کمتری در کنترل هیجانات و مدیریت موقعیتهای تنش زا دارند و در شرایط دشوار بیشتر به رفتارهای اجتنابی یا ناسازگارانه روی می آورند (Nolen-Hoeksema, 2008). در محیط آموزشی نیز نشخوار فکری می تواند با کاهش تمرکز، افت عملکرد تحصیلی و افزایش اضطراب امتحان همراه باشد. دانش آموزانی که به طور مداوم شکست ها و نگرانی های تحصیلی خود را مرور می کنند، ممکن است در مواجهه با فشارهای آموزشی احساس درماندگی کرده و برای کاهش اضطراب ناشی از شکست احتمالی، به تقلب تحصیلی متوسل شوند (امیدی و سالاری، 1400).

در کنار عوامل شناختی، نقش متغیرهای هیجانی در رفتارهای تحصیلی نیز بسیار حائز اهمیت است. یکی از مهم ترین این متغیرها اضطراب است. اضطراب نوعی حالت هیجانی ناخوشایند است که با احساس تنش، نگرانی، بی قراری و برانگیختگی فیزیولوژیکی همراه است. اضطراب در حد متعادل می تواند موجب



افزایش انگیزه و آمادگی فرد شود، اما زمانی که شدت آن افزایش یابد، عملکرد شناختی و رفتاری فرد را مختل می‌کند. اضطراب شدید می‌تواند تمرکز، حافظه کاری، تصمیم‌گیری و توانایی حل مسئله را کاهش دهد و فرد را در مواجهه با موقعیت‌های تحصیلی آسیب‌پذیرتر سازد (برنر اتل، 1997).

پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده‌اند که اضطراب با افت عملکرد تحصیلی، فرسودگی آموزشی و رفتارهای ناسازگار ارتباط دارد. دانش‌آموزان مضطرب معمولاً ترس بیشتری از شکست دارند و در شرایط ارزشیابی تحصیلی فشار روانی بالاتری را تجربه می‌کنند. این وضعیت ممکن است آنان را به سمت استفاده از راهبردهای کوتاه‌مدت و ناکارآمد مانند تقلب سوق دهد. افزون بر این، اضطراب می‌تواند رابطه بین متغیرهای شناختی و رفتاری را تحت تأثیر قرار دهد؛ به این معنا که شدت اضطراب ممکن است اثر کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری بر گرایش به تقلب تحصیلی را تقویت کند (کازان و مایکان، 2020؛ گالوی و رنلوی، 2021).

برخی پژوهشگران بر این باورند که اضطراب نقش تعدیل‌کننده مهمی در بروز رفتارهای ناسازگار ایفا می‌کند. به بیان دیگر، افرادی که دارای سطوح بالای کمال‌گرایی منفی یا نشخوار فکری هستند، زمانی بیشتر در معرض رفتارهای مخرب قرار می‌گیرند که همزمان اضطراب بالایی را نیز تجربه کنند. در چنین شرایطی، فشار هیجانی ناشی از اضطراب می‌تواند توانایی کنترل شناختی و رفتاری فرد را کاهش داده و احتمال انتخاب رفتارهای ناسالم را افزایش دهد. بنابراین، بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب می‌تواند به درک دقیق‌تر سازوکارهای روان‌شناختی مرتبط با تقلب تحصیلی کمک کند.

اگرچه مطالعات متعددی درباره تقلب تحصیلی و عوامل مرتبط با آن انجام شده است، اما بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها بر جمعیت دانشجویان یا دانش‌آموزان عادی متمرکز بوده‌اند و پژوهش‌های محدودی به بررسی این مسئله در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری پرداخته‌اند. همچنین، تاکنون کمتر پژوهشی به صورت همزمان نقش کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و اضطراب را در تبیین گرایش به تقلب تحصیلی بررسی کرده است. این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که هنوز شناخت جامعی از تعامل عوامل شناختی و هیجانی در بروز تقلب تحصیلی در میان دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری وجود ندارد. (محمدی و عابدی، 1401؛ رامین‌فر و یوسفی، 1401؛ بهرام‌پور، 1403).

با وجود اهمیت موضوع، بررسی همزمان نقش کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و اضطراب در تبیین گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بیشتر مطالعات پیشین هر یک از این متغیرها را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های اندکی به نقش تعاملی و تعدیل‌گر اضطراب در این روابط پرداخته‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است نقش تعدیل‌کننده اضطراب را در رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان بررسی کند.

با توجه به پیامدهای فردی، آموزشی و اجتماعی تقلب تحصیلی، شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند نقش مهمی در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و



مداخلات روان‌شناختی داشته باشد. اگر مشخص شود که متغیرهایی مانند کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و اضطراب در افزایش گرایش به تقلب تحصیلی نقش دارند، می‌توان با آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، اصلاح الگوهای شناختی ناسازگار و کاهش اضطراب، از بروز این رفتار جلوگیری کرد. چنین مداخلاتی به‌ویژه برای دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری که در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار دارند، اهمیت فراوانی دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان انجام شد. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش بتواند در توسعه دانش نظری مربوط به رفتارهای تحصیلی ناسازگار و نیز طراحی مداخلات آموزشی و روان‌شناختی مؤثر برای کاهش تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مفید واقع شود. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا اضطراب می‌تواند رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی را در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری تعدیل کند یا خیر. پاسخ به این سؤال می‌تواند زمینه مناسبی برای طراحی برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و مداخلات روان‌شناختی در جهت کاهش رفتارهای ناسازگار تحصیلی و ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان فراهم سازد.

مبانی نظری

کمال‌گرایی منفی

کمال‌گرایی یکی از ویژگی‌های مهم روان‌شناختی است که به معنای داشتن استانداردهای بسیار بالا، تلاش برای برنده بودن و اجتناب از شکست است. این ویژگی در دو بعد سازگارانه و ناسازگارانه (منفی) تقسیم‌بندی می‌شود که بعد منفی آن با مشکلات روان‌شناختی و ضعف سازگاری ارتباط دارد (محرمی و عزیزی، ۱۴۰۲؛ فرهوش و همکاران، ۲۰۲۳).

کمال‌گرایی منفی با ویژگی‌هایی همچون ارزیابی‌های منفی مداوم، خودانتقادی شدید، ترس از اشتباه و باور به غیرقابل دستیابی بودن استانداردهای فرد تعریف می‌شود (اسمیت و همکاران، ۲۰۲۲؛ خانجانی و همکاران، ۲۰۲۱). این نوع کمال‌گرایی موجب می‌شود فرد در مواجهه با شکست‌ها دچار نشخوار فکری و تمرکز افراطی بر ناکامی‌ها شود و از این طریق اضطراب و فشار روانی وی افزایش یابد (محرمی و عزیزی، ۱۴۰۲).

از منظر نظری، فلت و هیویت (۲۰۰۲) کمال‌گرایی را به سه دسته خودمحور، دیگرگرا و تجویزشده اجتماعی تقسیم کرده‌اند که هر یک ابعاد متفاوتی از انتظارات سختگیرانه را توصیف می‌کنند. همچنین اسلاید و اوونز (۱۹۹۸) کمال‌گرایی را به دو سطح مثبت (سازگارانه) و منفی (ناسازگارانه) تفکیک کرده‌اند که بعد منفی به ترس بیش از حد از اشتباه و خودتردیدی اشاره دارد (استوبر و گادرئو، ۲۰۱۷؛ فلکسمن و همکاران، ۲۰۱۷).

در حوزه تحصیلی، کمال‌گرایی منفی باعث ایجاد فشار روانی و اضطراب در دانش‌آموزان می‌شود و این اضطراب می‌تواند رفتارهای ناسازگارانه، از جمله تقلب تحصیلی، را تشدید کند (پرستل و همکاران، ۲۰۱۹؛ کانون و



سپیریانی، ۲۰۲۳). همچنین این ویژگی رفتاری به دلیل ایجاد سوگیری های شناختی منفی و توجه انتخابی به شکست ها، زمینه ساز کاهش عملکرد تحصیلی و مشکلات روانی می گردد (اوتو و همکاران، ۲۰۲۱؛ سیروس و مولنار، ۲۰۱۶).

نقش تعدیل کننده اضطراب بین کمال گرایی منفی و نشخوار فکری نیز مورد توجه بسیاری از پژوهش ها قرار گرفته است. اضطراب در این رابطه، به عنوان عاملی که شدت اثرات کمال گرایی منفی را بر روی نشخوار فکری و تقلب تحصیلی افزایش می دهد، شناخته می شود (جلالی و همکاران، ۱۴۰۱؛ کاظمی و مرادپور، ۱۴۰۳).

در نهایت، کمال گرایی منفی علاوه بر ایجاد مشکلات روانی-رفتاری، می تواند زمینه ساز اختلالات دیگر مانند اضطراب مزمن و افسردگی باشد که مداخلات روان شناختی برای کاهش تأثیرات آن از اهمیت بالایی برخوردار است (امیدی و سالاری، ۱۴۰۰؛ نوری و همکاران، ۱۴۰۲).

نشخوار فکری

نشخوار فکری به عنوان یک سبک شناختی ناسازگار تعریف می شود که مشخصه اصلی آن درگیری مداوم ذهن با افکار منفی و تمرکز بر شکست های گذشته است. این نوع تفکر باعث تداوم هیجان های منفی و کاهش اثربخشی راهبردهای مقابله ای فرد می شود (نولن-هوکسما و مارو، ۱۹۹۱؛ نوری و همکاران، ۱۴۰۲).

در پژوهش های مختلف، نشخوار فکری به همراه کمال گرایی منفی و اضطراب به عنوان متغیرهای اصلی در توضیح گرایش به تقلب تحصیلی بررسی شده اند. این پژوهش ها نشان داده اند که نشخوار فکری به تنهایی رابطه معناداری با تقلب تحصیلی ندارد، اما اضطراب نقش تعدیل کننده معناداری در رابطه بین نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی ایفا می کند (کاظمی و مرادپور، ۱۴۰۳؛ امیدی و سالاری، ۱۴۰۰).

نشخوار فکری به عنوان یک سبک شناختی ناسازگار در روانشناسی تعریف می شود که مشخصه اصلی آن درگیری مداوم ذهن با افکار منفی و تمرکز بر شکست ها و ناکامی های گذشته است. این سبک فکری باعث تداوم هیجان های منفی و کاهش اثربخشی راهبردهای مقابله ای فرد می شود و به نوعی مانع پردازش موثر مسائل و مشکلات می گردد. نولن-هوکسما و مارو (۱۹۹۱) به عنوان یکی از پیشگامان در مطالعه این سازه، نشخوار فکری را در قالب مقیاس معتبری معرفی کرده اند که در پژوهش های بسیاری به کار رفته است.

از منظر روانشناختی، نشخوار فکری نه تنها فرآیندهای شناختی را مختل می کند بلکه با ایجاد و تداوم اضطراب و استرس نیز ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع، افرادی که دچار نشخوار فکری مکرر هستند، بیشتر مستعد تجربه اضطراب های هیجانی مزمن می باشند، به خصوص در موقعیت های پرتنش و چالش برانگیز مانند محیط های تحصیلی. پژوهش حاضر که هدف آن بررسی نقش تعدیل کننده اضطراب در رابطه بین کمال گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی است، نشان داد که نشخوار فکری به تنهایی رابطه معناداری با گرایش به تقلب تحصیلی ندارد. اما اضطراب به عنوان متغیر تعدیل کننده، نقش معناداری در این رابطه ایفا می کند به طوری که وجود

اضطراب، شدت تأثیر نشخوار فکری بر گرایش به تقلب تحصیلی را افزایش می دهد.

تعامل بین نشخوار فکری و کمال گرایی منفی می تواند زمینه ای را فراهم آورد که تقلب تحصیلی به عنوان یک راهکار ظاهری برای مدیریت فشارهای درونی و کاهش اضطراب در افراد دیده شود. از این روی، اضطراب تحصیلی به عنوان عامل هیجانی کلیدی در این میان مطرح است که می تواند جهت و شدت اثرگذاری این متغیرهای شناختی و شخصیتی را دگرگون کند. بنابراین، نشخوار فکری نه تنها یک سازه شناختی منفرد است بلکه در چارچوب پژوهشی حاضر، به عنوان یک مؤلفه اساسی در فرایندهای روانشناختی پیچیده ای مطرح می شود که در نهایت می تواند بر رفتارهای پرخطر مانند تقلب تحصیلی تأثیرگذار باشد. توجه ویژه به مداخلات کاهش نشخوار فکری و اضطراب، می تواند به بهبود وضعیت روانی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمک شایانی نماید. این یافته ها اهمیت توجه به ابعاد هیجانی و شناختی نشخوار فکری را در مدیریت رفتارهای ناسازگار تحصیلی برجسته می سازد و توصیه می شود مداخلات روان شناختی با تمرکز بر کاهش نشخوار فکری و اضطراب طراحی و اجرا شود (جلالی و همکاران، ۱۴۰۱).

تقلب تحصیلی

تقلب تحصیلی به هرگونه رفتار عمدی و آگاهانه ای گفته می شود که با هدف کسب موفقیت یا امتیاز تحصیلی از طریق شیوه های غیرصادقانه و خلاف مقررات انجام می گیرد؛ مانند کپی برداری، استفاده از منابع غیرمجاز، جعل نتایج یا سرقت علمی (موسوی و قاسمی، ۱۴۰۰). در روان شناسی تربیتی، تقلب تحصیلی غالباً نشانه ضعف مهارت های مقابله ای، اضطراب افراطی، کمال گرایی منفی یا نبود باور به انصاف آموزشی است (یو و همکاران، ۲۰۲۱؛ نوری و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهش های اخیر این رفتار را نه تنها تخلف اخلاقی، بلکه نشانه آسیب روانی و رفتاری، ویژه دانش آموزان با اختلالات یادگیری و مشکلات هیجانی - شناختی می دانند (صبوری و همکاران، ۱۴۰۱).

اضطراب

اضطراب یک حالت روان شناختی و هیجانی است که با احساس نگرانی، تنش و دلوایسی نسبت به آینده یا موقعیت های نامشخص همراه است. اضطراب می تواند به صورت واکنش طبیعی نسبت به فشارهای محیطی بروز یابد، اما در صورت تداوم یا شدت بالا، به شکل مزمن بر کارکردهای فردی و اجتماعی اثر منفی می گذارد (کاظمی و مرادپور، ۱۴۰۳). در روان شناسی، اضطراب زمانی به شکل یک اختلال مطرح می شود که با نشانه هایی مانند برانگیختگی فیزیولوژیک، افکار منفی، نگرانی مداوم و اختلال در عملکرد روزانه همراه باشد (افشار، سعید، و نادری، ۲۰۲۰). در زمینه تحصیلی، اضطراب اغلب به شکل اضطراب امتحان یا اضطراب تحصیلی بروز می کند که با نگرانی از شکست یا ارزیابی منفی پیوند دارد و می تواند باعث کاهش عملکرد، اختلال در یادگیری و افزایش تمایل به رفتارهای ناسازگارانه مثل تقلب گردد (نوری و همکاران، ۱۴۰۲).

پیشینه تحقیق



مطالعات متعددی به بررسی رابطه میان کمال‌گرایی تحصیلی، اضطراب امتحان، نشخوار فکری و گرایش به رفتارهای ناسازگارانه تحصیلی از جمله تقلب پرداخته‌اند. مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نخستین و همکاران (1404) در پژوهشی مروری که با مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع متنوع انجام دادند، رابطه میان کمال‌گرایی تحصیلی ناسازگارانه، اضطراب امتحان و رفتارهای اجتنابی دانش‌آموزان را بررسی کردند. نتایج نشان داد کمال‌گرایی ناسازگارانه عامل افزایش اضطراب امتحان بوده و این اضطراب به نوبه خود باعث بروز رفتارهای اجتنابی تحصیلی می‌شود که در مجموع عملکرد تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در پژوهش دیگری، گلمکانی (1404) نقش کمال‌گرایی در اضطراب امتحان دانش‌آموزان را با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری روان‌شناسی مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها بیانگر آن بودند که کمال‌گرایی مثبت و کنترل‌شده می‌تواند مطلوب باشد، اما کمال‌گرایی منفی نیازمند کنترل و مداخله است تا دانش‌آموزان بتوانند اضطراب امتحان را مدیریت و از بروز مشکلات جسمی و روانی پیشگیری کنند.

مطالعه کاظمی و مرادپور (1403) روی دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری در دوره متوسطه اول، به بررسی اثر کمال‌گرایی منفی و اضطراب بر تمایل به رفتارهای پرخطر تحصیلی با تأکید بر نقش نشخوار فکری پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد کمال‌گرایی منفی و اضطراب تحصیلی نقش معناداری در افزایش تمایل به رفتارهای پرخطر و تقلب دارند و نشخوار فکری به عنوان یک عامل میانجی‌گر، شدت این رابطه را تشدید می‌کند. پژوهشگران بر ضرورت مداخلات مشاوره‌ای و آموزشی برای کاهش اضطراب و نشخوار فکری تأکید کردند.

اسماعیلی و مرادی (1403) نقش کمال‌گرایی منفی و اضطراب تحصیلی را در پیش‌بینی رفتارهای تقلبی در دانش‌آموزان با اختلال یادگیری بررسی کردند. یافته‌ها بیانگر آن بود که هر دو متغیر به‌طور معنادار پیش‌بینی‌کننده رفتارهای تقلبی بوده و تعامل بالای آن‌ها احتمال بروز این رفتارها را افزایش می‌دهد.

حسینی و همکاران (1402) به نقش تعدیل‌گر اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری پرداختند. نتایج نشان داد در سطوح بالای اضطراب، رابطه میان کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی تقویت می‌شود.

مطالعات دیگر نیز به صورت مشابه نقش اضطراب و نشخوار فکری را در تشدید رفتارهای ناهنجار تحصیلی، از جمله تقلب و پرخطر، تأیید کرده‌اند (نوری و همکاران 1402؛ فهیمی‌زاده 1402؛ محمدی و عابدی 1401؛ رامین‌فر و یوسفی 1401؛ امیدی و سالاری 1400؛ صفری و بهرام‌پور 1399؛ رضایی و شریفی 1399؛ علی‌اکبرپور و رحمانی 1398).



در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های متعددی مشابه یافته‌های داخلی را تأیید کرده‌اند. نگوین و تران (2024) نقش تعدیل‌کننده اضطراب امتحان در رابطه میان کمال‌گرایی منفی و تقلب تحصیلی را بررسی کردند و دریافتند اضطراب امتحان به طور معنی‌داری این رابطه را تقویت می‌کند. براون و سوکول (2024) نیز با تحلیل میانجیگری تعدیل شده نشان دادند که اضطراب نقش واسطه‌ای پررنگی در تأثیر کمال‌گرایی منفی بر رفتارهای تقلبی دارد. اسمیت (2023)، پولینگ و ارلیش (2023)، لی و لی (2023)، کولاکوف (2022)، یو و همکاران (2021)، گالوی و رینولدز (2021)، کازان و ماکیان (2020) و آبلارد و پارکر (2020) نیز به‌طور مستقل روابط میان اضطراب، نشخوار فکری، کمال‌گرایی منفی و رفتارهای تقلب یا نادرست تحصیلی را در نمونه‌های مختلف دانش‌آموزی بررسی کرده‌اند که همگی آنها ضرورت مداخلات روانی، آموزشی و مشاوره‌ای جامع برای کاهش اضطراب و مدیریت نشخوار فکری و کمال‌گرایی منفی را تأکید می‌کنند.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی - کاربردی و از حیث روش اجرا، توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی بود. همچنین از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، پژوهشی میدانی و از نظر زمان اجرا مقطعی محسوب می‌شود و داده‌های آن به‌صورت کمی تحلیل شده است. هدف اصلی پژوهش بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری بود. روش‌شناسی تحقیق حاضر ترکیبی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است. در بخش کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری ادبیات و پیشینه پژوهش بهره گرفته شده و برای بررسی فرضیه‌ها و پرسش‌های تحقیق، روش میدانی به کار رفته است. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد است که شامل دو بخش می‌باشد: بخش اول مربوط به اطلاعات فردی مانند جنسیت، سن و تحصیلات، و بخش دوم شامل 56 سوال تخصصی مرتبط با موضوع تحقیق است که پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شده‌اند. همچنین آزمون‌های پیش‌فرض آماری شامل آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها و آزمون کفایت نمونه‌گیری برای تحلیل عاملی نیز قبل از مدلسازی انجام شده است. در مجموع، روش‌شناسی تحقیق مبتنی بر تلفیق روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی، استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد و معتبر، ارزیابی دقیق روایی و پایایی و انجام آزمون‌های آماری پیش‌فرض پیش از تحلیل داده‌ها است. این پژوهش از نوع تحقیقات ترکیبی است که روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی را با هم تلفیق کرده است. بخش کتابخانه‌ای پژوهش به مطالعه و بررسی ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق اختصاص دارد، در حالی که بخش میدانی به جمع‌آوری داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها و پرسش‌های تحقیق می‌پردازد. برای گردآوری داده‌ها در بخش میدانی، از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شده است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری خاص، شامل اختلال در خواندن، نوشتن یا ریاضی، مشغول به تحصیل در پایه اول مقطع متوسطه اول شهر بوکان در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ هجری شمسی بود.

نمونه پژوهش با استفاده از روش در دسترس-هدفمند انتخاب شد. بدین صورت که پس از اخذ مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش شهرستان بوکان و هماهنگی با مدیران مدارس منتخب، فهرست دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری از پرونده‌های رسمی استخراج شد و از میان آنان، دانش‌آموزان واجد معیارهای ورود به مطالعه انتخاب شدند. در صورت امکان، انتخاب درون مدارس بر اساس پایه و جنسیت به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شد تا نمایندگی گروه‌ها حفظ شود.

حجم نمونه نهایی پژوهش ۲۰۰ نفر بود که شامل ۱۰۰ دانش‌آموز دختر و ۱۰۰ دانش‌آموز پسر دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول بود. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل داشتن تشخیص یا پرونده اختلال یادگیری، اشتغال به تحصیل در پایه اول متوسطه اول، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و توانایی پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها بود. پرسشنامه‌های ناقص یا مخدوش نیز از تحلیل نهایی حذف شدند.

ابزارهای پژوهش

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش، پیش از اجرا از نظر روایی و پایایی مورد تأیید قرار گرفته بودند. علاوه بر این، در این مطالعه نیز پایایی کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار 0.91 به عنوان ضریب پایایی به دست آمد. این مقدار بالاتر از شاخص مرجع 0.70 به‌شمار می‌رود و نشان‌دهنده پایایی بسیار مناسب ابزار در جمعیت مورد مطالعه است.

1. پرسشنامه اضطراب کودکان - نسخه کوتاه

برای سنجش اضطراب از پرسشنامه اضطراب کودکان نسخه کوتاه (SCARED-Short) استفاده شد. این ابزار دارای ۱۸ گویه است و سه خرده‌مقیاس اضطراب تعمیم‌یافته، اضطراب اجتماعی و ترس از موقعیت‌های تحصیلی را می‌سنجد. پاسخ‌دهی بر اساس طیف لیکرت انجام می‌شود و نمره بالاتر نشان‌دهنده شدت بیشتر اضطراب است. نسخه فارسی این ابزار در پژوهش‌های پیشین از روایی محتوایی و پایایی مطلوب برخوردار بوده و ضریب آلفای کرونباخ آن بیش از 82/0 گزارش شده است.

2. پرسشنامه کمال‌گرایی منفی نسخه کوتاه

برای سنجش کمال‌گرایی منفی از پرسشنامه کمال‌گرایی منفی نسخه کوتاه ندی و همکاران استفاده شد. این ابزار ۱۵ گویه دارد و مؤلفه‌هایی مانند تلاش افراطی برای بی‌نقص بودن، نگرانی از اشتباهات، تردید در تصمیم‌گیری و انتظارات بیش از حد از خود را ارزیابی می‌کند. پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند و نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر کمال‌گرایی منفی است. در پژوهش‌های داخلی، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس 84/0 گزارش شده است.

3. مقیاس نشخوار فکری کوتاه

برای سنجش نشخوار فکری از مقیاس نشخوار فکری کوتاه Brief RRS-10 استفاده شد. این مقیاس ۱۰ گویه دارد و میزان درگیری ذهنی فرد با افکار منفی، بازنگری مکرر مشکلات و تمرکز بر پیامدهای ناخوشایند را ارزیابی می‌کند. نمره بالاتر بیانگر سطح بیشتر نشخوار فکری است. این ابزار به‌عنوان نسخه کوتاه‌شده‌ای از مقیاس پاسخ‌های نشخواری، در پژوهش‌های پیشین برای سنجش مؤلفه‌های شناختی مرتبط با افسردگی و اضطراب به کار رفته است.

4. مقیاس گرایش به تقلب تحصیلی

برای سنجش گرایش به تقلب تحصیلی از مقیاس گرایش به تقلب تحصیلی مک‌کیب و تروینو (1993) استفاده شد. این ابزار ۱۳ گویه دارد و نگرش‌ها و گرایش‌های دانش‌آموزان نسبت به رفتارهای تقلب‌آمیز در محیط آموزشی را می‌سنجد. نمرات بالاتر نشان‌دهنده گرایش بیشتر به تقلب تحصیلی است. مجموع گویه‌های ابزارهای پژوهش ۵۶ سؤال بود.

روش اجرا

پس از اخذ مجوزهای لازم و هماهنگی با مدارس، پژوهشگر با حضور در مدارس منتخب، اهداف پژوهش را برای دانش‌آموزان و در صورت لزوم والدین آنان توضیح داد. سپس با رعایت اصول اخلاق پژوهش، رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان اخذ شد و پرسشنامه‌ها به‌صورت حضوری در اختیار آنان قرار گرفت. تکمیل پرسشنامه‌ها به‌صورت فردی انجام شد و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه باقی می‌ماند و صرفاً برای اهداف علمی استفاده خواهد شد. پس از جمع‌آوری، پرسشنامه‌های ناقص حذف و داده‌های نهایی برای تحلیل آماده شدند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی تحلیل شد. در بخش توصیفی، شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات گزارش شد. در بخش استنباطی، از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و مدلیابی معادلات ساختاری برای بررسی روابط بین متغیرها و نقش تعدیل‌کننده اضطراب استفاده شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS نسخه 24 و SmartPLS نسخه 3 انجام گرفت. سطح معناداری آزمون‌ها 0/05 در نظر گرفته شد.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش با رعایت اصول اخلاقی انجام شد. مشارکت در پژوهش داوطلبانه بود و شرکت‌کنندگان در هر مرحله حق انصراف داشتند. محرمانگی اطلاعات تضمین شد و از داده‌ها صرفاً در راستای اهداف علمی استفاده شد.

پیش از انجام مدل‌سازی و تحلیل داده‌ها، آزمون‌های پیش‌فرض متناسب با داده‌ها به منظور صحت تحلیل‌ها انجام شد. این آزمون‌ها شامل:

- آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها که اعتبار تحلیل‌های آماری را تضمین می‌کند.

- آزمون کفایت نمونه‌گیری و تناسب داده‌ها برای انجام تحلیل‌های عاملی که نشان‌دهنده کفایت جامعه و حجم نمونه برای تحلیل ساختاری است.

در یک نگاه کلی، روش‌شناسی پژوهش حاضر به‌صورت ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای برای گردآوری پیشینه و مطالعات میدانی برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد و دارای اعتبار علمی است که پس از بررسی روایی و پایایی، در قالب طیف لیکرت اجرا شده‌اند. همچنین، آزمون‌های آماری پیش‌فرض جهت تضمین کیفیت داده‌ها و صحت تحلیل‌ها انجام گردیده است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

بین نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی و نشخوارفکری با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

1. بین کمال‌گرایی منفی و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
2. بین نشخوارفکری و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
3. اضطراب با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری رابطه مثبت و معناداری دارد.
4. اضطراب رابطه بین کمال‌گرایی منفی و گرایش به تقلب تحصیلی را تعدیل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در سطوح بالاتر اضطراب، اثر کمال‌گرایی منفی بر گرایش به تقلب تحصیلی تقویت می‌شود و رابطه وجود دارد.
5. اضطراب رابطه بین نشخوارفکری و گرایش به تقلب تحصیلی را تعدیل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در سطوح بالاتر اضطراب، اثر نشخوارفکری بر گرایش به تقلب تحصیلی افزایش می‌یابد و رابطه وجود دارد.

یافته‌ها

در این پژوهش، ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری، اضطراب و گرایش به تقلب تحصیلی بررسی شد و سپس روابط بین متغیرها با استفاده از آزمون‌های آماری مورد تحلیل قرار گرفت.

در پژوهش حاضر، ۲۰۰ دانش‌آموز دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان مورد بررسی قرار گرفتند که از این تعداد، ۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر بودند. در ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری، اضطراب و گرایش به تقلب تحصیلی محاسبه شد. نتایج آمار توصیفی نشان داد که میانگین و انحراف معیار متغیرهای

پژوهش در دامنه قابل قبول قرار داشت و توزیع داده ها از نرمال بودن نسبی برخوردار بود. همچنین پیش فرض های لازم برای اجرای آزمون های همبستگی و رگرسیون شامل نرمال بودن داده ها، استقلال خطاها و نبود هم خطی چندگانه بررسی و تأیید شد.

یافته های پژوهش بر اساس داده های گردآوری شده از نمونه مطالعه ارائه می شود. ابتدا، مشخصات جمعیت شناختی شرکت کنندگان شامل جنسیت، سن و پایه تحصیلی به منظور شناخت بهتر ساختار نمونه تشریح می گردد (جدول شماره ۱). سپس، شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش از جمله کمال گرایی منفی، نشخوار فکری، اضطراب و گرایش به تقلب تحصیلی در قالب میانگین، انحراف معیار و واریانس ارائه خواهد شد (جدول شماره ۲).

به منظور اطمینان از برقراری مفروضه های آماری لازم برای انجام آزمون های پارامتریک، نرمال بودن توزیع داده های پژوهش با استفاده از شاخص های چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است. همچنین، کفایت نمونه گیری و مناسب بودن داده ها برای تحلیل های آماری پیشرفته تر با بهره گیری از آزمون های KMO و بارتلت ارزیابی شده که مقادیر مربوطه در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

در ادامه، برای تضمین روایی و پایایی سازه های مدل اندازه گیری پژوهش، نتایج مربوط به پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ، میانگین واریانس استخراج شده و روایی واگرا نمایش داده می شود (جدول شماره ۵). در نهایت، نتایج آزمون فرضیه های پژوهش با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری ارائه شده که روابط بین متغیرها و نقش تعدیلگری اضطراب به طور مفصل در جدول شماره ۶ تشریح شده است. مطالعه و تحلیل این جداول، چارچوبی قابل اتکا برای نتیجه گیری نهایی و بحث علمی در بخش های بعدی مقاله فراهم می آورد.

یافته های توصیفی

به منظور توصیف داده ها، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش محاسبه شد. نتایج نشان داد که دانش آموزان مورد مطالعه در متغیرهای کمال گرایی منفی، نشخوار فکری، اضطراب و گرایش به تقلب تحصیلی دارای پراکندگی قابل قبولی بودند و توزیع داده ها برای انجام تحلیل های استنباطی مناسب بود.

آزمون نرمال بودن داده ها

پیش از اجرای تحلیل های اصلی، نرمال بودن توزیع داده ها بررسی شد. نتایج نشان داد که شاخص های چولگی و کشیدگی متغیرها در دامنه قابل قبول قرار دارند؛ بنابراین استفاده از آزمون های پارامتریک بلامانع بود. همچنین نتایج شاخص KMO و آزمون بارتلت نشان داد که داده ها از کفایت لازم برای تحلیل عاملی و مدلیابی برخوردار هستند.

نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش

برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین کمال گرایی منفی و گرایش به تقلب تحصیلی

رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین بین نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی نیز رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. علاوه بر این، اضطراب با کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی همبستگی مثبت و معناداری داشت.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و اضطراب، میزان گرایش دانش‌آموزان به تقلب تحصیلی نیز افزایش می‌یابد.

نتایج تحلیل رگرسیون و نقش تعدیلگر اضطراب

به‌منظور بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی، از رگرسیون چندمتغیره و مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد.

نتایج تحلیل نشان داد که کمال‌گرایی منفی به‌صورت مستقیم و مثبت، گرایش به تقلب تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین نشخوار فکری نیز دارای اثر مستقیم و معنادار بر گرایش به تقلب تحصیلی بود.

علاوه بر این، اثر تعاملی اضطراب با کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری معنادار بود؛ بدین معنا که اضطراب نقش تعدیل‌کننده در رابطه بین این متغیرها و گرایش به تقلب تحصیلی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، در سطوح بالاتر اضطراب، رابطه بین کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی قوی‌تر می‌شود.

نتایج مدلیابی معادلات ساختاری نیز نشان داد که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است و متغیرهای پیش‌بین توانستند بخش معناداری از واریانس گرایش به تقلب تحصیلی را تبیین کنند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان داد که کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری از عوامل روان‌شناختی مؤثر بر گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری هستند و اضطراب می‌تواند شدت این روابط را افزایش دهد.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

جدول شماره 1 ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌های پژوهش را نشان می‌دهد، برای درک بهتر ساختار نمونه پژوهش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان شامل جنسیت، سن، و پایه تحصیلی گزارش می‌شود.

جدول شماره 1) توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

درصد	فراوانی	طبقه	متغیر
50	100	دختر	جنسیت
50	100	پسر	



34	68	14 سال	سن
44	88	پایه نهم	پایه تحصیلی

بر اساس نتایج جدول شماره 1، ترکیب نمونه پژوهش از نظر جنسیت متعادل بود؛ به گونه ای که 50 درصد نمونه را دانش آموزان دختر و 50 درصد را دانش آموزان پسر تشکیل دادند. همچنین بیشترین فراوانی سنی مربوط به دانش آموزان 14 ساله (34 درصد) و بیشترین فراوانی پایه تحصیلی مربوط به پایه نهم (44 درصد) بود. مشاهده می شود که نمونه مورد مطالعه از نظر جنسیت متعادل بوده و بیشترین فراوانی سنی و تحصیلی مربوط به 14 ساله ها و پایه نهم است که نمایانگر وضعیت دانش آموزان متوسطه اول در نمونه می باشد.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول شماره 2 شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش را شامل میانگین، انحراف معیار و واریانس نمایش می دهد که وضعیت کلی متغیرها را نشان می دهد. به منظور بررسی وضعیت متغیرهای اصلی پژوهش، شاخص های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و واریانس محاسبه شد.

جدول شماره 2) شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

واریانس	انحراف معیار	میانگین	متغیر
—	—	—	کمال گرایی منفی
—	—	—	نشخوار فکری
—	—	—	اضطراب
—	—	بیشترین میانگین	گرایش به تقلب تحصیلی

نتایج جدول شماره 2 نشان می دهد که در بین متغیرهای پژوهش، گرایش به تقلب تحصیلی دارای بالاترین میانگین بوده است. همچنین شاخص های پراکندگی نشان دهنده توزیع قابل قبول داده ها در متغیرهای مورد مطالعه است. با توجه به محدودیت استخراج اعداد دقیق جداول از فایل پایان نامه، مقادیر عددی کامل در نسخه حاضر قابل گزارش نبود. شاخص های توصیفی نشان می دهند که متغیر گرایش به تقلب تحصیلی دارای بیشترین میانگین بوده و سایر متغیرها نیز در دامنه توزیع مناسبی قرار دارند که تحلیل های بعدی را می توان بر مبنای آن ها انجام داد.

بررسی نرمال بودن داده ها

جهت اطمینان از صحت کاربرد آزمون های پارامتریک، مفروضه نرمال بودن توزیع داده های پژوهش با استفاده از شاخص های چولگی و کشیدگی در جدول شماره 3 مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره 3) نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

نتیجه	وضعیت چولگی و کشیدگی	متغیر
نرمال	در دامنه $2 \pm$	کمال گرایی منفی
نرمال	در دامنه $2 \pm$	نشخوار فکری
نرمال	در دامنه $2 \pm$	اضطراب
نرمال	در دامنه $2 \pm$	گرایش به تقلب تحصیلی

مطابق نتایج جدول شماره 3، مقادیر چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه قابل قبول -2 تا $+2$ قرار داشت؛ بنابراین، توزیع داده ها نرمال بوده و استفاده از آزمون های پارامتریک بلامانع است. بنابراین، داده ها از لحاظ توزیع نرمال بودن شرایط لازم را دارند و می توان از آزمون های پارامتریک برای تحلیل روابط استفاده کرد.

کفایت نمونه گیری و مناسب بودن داده ها برای تحلیل عاملی

به منظور بررسی کفایت نمونه گیری و مناسب بودن داده ها برای تحلیل های ساختاری با استفاده از آزمون KMO و بارتلت ارزیابی شده که نتایج در جدول شماره 4 آمده است.

جدول شماره 4) نتایج آزمون KMO و بارتلت

مقدار	شاخص
0.752	KMO
$p < 0.05$	سطح معناداری آزمون بارتلت

نتایج جدول شماره 4 نشان داد که مقدار شاخص KMO برابر با 0.752 است که بیانگر کفایت مناسب حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی است. همچنین معنادار بودن آزمون بارتلت نشان می دهد ماتریس همبستگی داده ها برای تحلیل عاملی مناسب است. بر اساس این نتایج، می توان تأیید کرد نمونه پژوهش برای اجرای تحلیل عاملی به اندازه کافی مناسب است و مدل اندازه گیری قابل اعتماد می باشد.

تحلیل مدل اندازه گیری

جدول شماره 5 نتایج ارزیابی پایایی و روایی سازه های مدل اندازه گیری را نشان می دهد که اعتبار مدل را تضمین می کند.

جدول شماره 5) وضعیت روایی و پایایی سازه های پژوهش

نتیجه	معیار قابل قبول	شاخص
تأیید شد	بیشتر از 0.70	پایایی ترکیبی (CR)
تأیید شد	بیشتر از 0.60	آلفای کرونباخ (CA)
تأیید شد	بیشتر از 0.50	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
تأیید شد	معیار فورنل و لارکر	روایی واگرا

نتایج جدول شماره 5 نشان داد که تمامی سازه های پژوهش از پایایی و روایی مطلوب برخوردار هستند. شاخص های پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ و میانگین واریانس استخراج شده در محدوده قابل قبول قرار داشتند و روایی واگرا نیز بر اساس معیار فورنل و لارکر تأیید شد. مطابق شاخص های ارائه شده، سازه های مورد استفاده از اعتبار و پایایی لازم برخوردار بوده و لذا نتایج تحلیل ساختاری قابل اتکا هستند.

آزمون فرضیه های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه های پژوهش با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری در جدول شماره 6 خلاصه شده است.

جدول شماره 6) نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

نتیجه	فرضیه
تأیید شد	کمال گرایی منفی با گرایش به تقلب تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد
تأیید نشد	نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی رابطه معنادار دارد
تأیید شد	اضطراب با گرایش به تقلب تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد
تأیید شد	اضطراب رابطه بین کمال گرایی منفی و تقلب تحصیلی را تعدیل می کند
تأیید شد	اضطراب رابطه بین نشخوار فکری و تقلب تحصیلی را تعدیل می کند



بر اساس نتایج جدول شماره 6، کمال‌گرایی منفی و اضطراب دارای اثر مثبت و معنادار بر گرایش به تقلب تحصیلی بودند. در مقابل، نشخوار فکری اثر مستقیم معناداری بر تقلب تحصیلی نشان نداد. همچنین اضطراب در روابط بین متغیرهای شناختی - هیجانی و گرایش به تقلب تحصیلی نقش تعدیل‌کننده معناداری ایفا کرد؛ به‌گونه‌ای که در سطوح بالاتر اضطراب، شدت اثر متغیرهای پیش‌بین بر تقلب تحصیلی افزایش یافت. این نتایج نشان می‌دهد کمال‌گرایی منفی و اضطراب نقش مهم و معناداری در پیش‌بینی گرایش به تقلب تحصیلی دارند و همچنین اضطراب به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر مهمی در روابط میان متغیرها عمل می‌کند.

مطالعه جداول ارائه شده نشان می‌دهد که نمونه پژوهش از لحاظ جنسیت کاملاً متعادل بوده و بیشترین فراوانی گروه‌های سنی و پایه تحصیلی مربوط به دانش‌آموزان 14 ساله و پایه نهم است که نمایانگر وضعیت دانش‌آموزان دوره اول متوسطه است. شاخص‌های توصیفی متغیرهای کمال‌گرایی منفی، اضطراب، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی، تصویری روشن از وضعیت درونی نمونه به دست می‌دهند و نشان می‌دهند که این متغیرها در دامنه پراکندگی مناسبی قرار دارند.

علاوه بر این، نتایج آزمون نرمال بودن داده‌ها، مفروضه‌های لازم برای بهره‌گیری از آزمون‌های پارامتریک را تأیید می‌کند. همچنین، شاخص KMO و آزمون بارتلت کفایت نمونه و مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل‌های آماری پیچیده‌تر، از جمله تحلیل عاملی و مدلیابی معادلات ساختاری، را تأیید کرده‌اند.

روایی و پایایی سازه‌های مدل نیز مورد تأیید قرار گرفته و این نکته اطمینان می‌دهد که متغیرهای گردآوری‌شده قابل اعتماد و معتبر هستند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که کمال‌گرایی منفی و اضطراب تأثیر مثبت و معناداری بر گرایش به تقلب تحصیلی دارند، در حالی که نشخوار فکری رابطه معناداری نشان نداد. همچنین نقش تعدیلگری اضطراب در رابطه کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با تقلب تأیید شده است که بر پیچیدگی فرآیندهای هیجانی - شناختی در بروز رفتار تقلب تأکید می‌کند.

این یافته‌ها چارچوب مفهومی محکمی را برای بحث و تبیین نتایج فراهم می‌آورد و در ادامه، بخش بحث به صورت تحلیلی و نقادانه به بررسی این نتایج و ارتباط آنها با مطالعات پیشین خواهد پرداخت.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که کمال‌گرایی منفی با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری رابطه مثبت و معناداری دارد. این نتیجه بیانگر آن است که هرچه دانش‌آموزان بیشتر درگیر استانداردهای سخت‌گیرانه، ترس از شکست و ارزیابی‌های منفی از عملکرد خود باشند، احتمال گرایش آنان به رفتارهای جبرانی مانند تقلب تحصیلی افزایش می‌یابد. کمال‌گرایی منفی با ایجاد احساس ناکامی، کاهش خودکارآمدی و افزایش فشار روانی می‌تواند زمینه استفاده از راهبردهای ناسازگارانه در موقعیت‌های تحصیلی را فراهم سازد. از این رو، تقلب تحصیلی در چنین شرایطی می‌تواند به‌عنوان پاسخی ناسازگارانه به فشارهای درونی و نگرانی از شکست تلقی شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو



است؛ به گونه ای که مطالعات مختلف نشان داده اند کمالگرایی ناسازگارانه با افزایش اضطراب، فشار روانی و بروز رفتارهای ناسالم تحصیلی از جمله تقلب ارتباط دارد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که اضطراب با گرایش به تقلب تحصیلی رابطه مثبت و معناداری دارد. این یافته نشان می دهد دانش آموزانی که سطوح بالاتری از اضطراب را تجربه می کنند، بیشتر در معرض انتخاب راهبردهای اجتنابی و کوتاه مدت قرار می گیرند. اضطراب با کاهش تمرکز، اختلال در پردازش شناختی و افزایش نگرانی درباره پیامدهای عملکرد تحصیلی، می تواند توانایی فرد را در مواجهه مؤثر با تکالیف و امتحانات کاهش داده و زمینه گرایش به تقلب را فراهم کند. این نتیجه با یافته های پژوهش های پیشین همخوانی دارد که نشان داده اند سطوح بالاتر اضطراب تحصیلی می تواند با کاهش عملکرد تحصیلی و افزایش احتمال استفاده از راهبردهای ناسازگارانه همراه باشد.

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که نشخوار فکری به تنهایی رابطه معناداری با تقلب تحصیلی ندارد. این یافته نشان می دهد که صرف درگیری ذهنی با افکار تکراری و منفی لزوماً به بروز رفتار تقلب منجر نمی شود. با این حال، نشخوار فکری در تعامل با اضطراب می تواند نقش مهمی در شکل گیری این رفتار داشته باشد؛ به گونه ای که در سطوح بالاتر اضطراب، درگیری ذهنی با افکار منفی و پیش بینی شکست افزایش یافته و احتمال گرایش به رفتارهای ناسازگارانه از جمله تقلب تحصیلی بیشتر می شود. برخی پژوهش ها نیز نشان داده اند که نشخوار فکری به طور غیرمستقیم و از طریق افزایش هیجان های منفی مانند اضطراب و نگرانی می تواند بر رفتارهای ناسازگارانه اثر بگذارد.

یکی از مهم ترین یافته های پژوهش حاضر نقش تعدیل کننده اضطراب در رابطه بین کمالگرایی منفی و تقلب تحصیلی بود. این نتیجه نشان می دهد که اضطراب می تواند شدت اثر کمالگرایی منفی بر گرایش به تقلب را افزایش دهد؛ به این معنا که در سطوح بالاتر اضطراب، دانش آموزان کمالگرا بیشتر احتمال دارد برای اجتناب از شکست به تقلب تحصیلی متوسل شوند. همچنین اضطراب در رابطه بین نشخوار فکری و تقلب تحصیلی نیز نقش تعدیل کننده ایفا می کند؛ به طوری که در شرایط اضطراب بالا، تأثیر نشخوار فکری بر گرایش به تقلب افزایش می یابد. این یافته نشان می دهد که تقلب تحصیلی در این گروه از دانش آموزان حاصل تعامل پیچیده میان عوامل هیجانی و الگوهای شناختی ناسازگار است و با دیدگاه های نظری مطرح در حوزه روان شناسی تربیتی و روان شناسی شناختی همخوانی دارد.

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که تقلب تحصیلی در دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری صرفاً یک مسئله آموزشی یا انضباطی نیست، بلکه با عوامل روان شناختی از جمله اضطراب و کمالگرایی منفی ارتباط دارد. بنابراین، دانش آموزانی که از اضطراب بالاتر و الگوهای کمالگرایانه ناسازگارانه برخوردارند، بیشتر در معرض گرایش به تقلب تحصیلی قرار می گیرند. بر این اساس، برنامه های پیشگیری و مداخله برای کاهش تقلب تحصیلی باید علاوه بر نظارت آموزشی، بر اصلاح مؤلفه های روان شناختی نیز تمرکز داشته باشند.

از نظر کاربردی، نتایج این پژوهش نشان می دهد که اجرای برنامه های کاهش اضطراب، آموزش مهارت های تنظیم هیجان، اصلاح باورهای کمالگرایانه ناسازگار و مدیریت افکار نشخوارگونه می تواند در کاهش گرایش به تقلب تحصیلی مؤثر باشد. به ویژه در دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری که به دلیل تجربه های مکرر ناکامی تحصیلی آسیب پذیری بیشتری دارند، توجه به مداخلات روان شناختی و حمایت های آموزشی ضروری به نظر می رسد. همچنین آگاهی معلمان، مشاوران و والدین از نقش



این عوامل می‌تواند در شناسایی زودهنگام دانش‌آموزان در معرض خطر و پیشگیری از بروز رفتارهای ناسازگارانه تحصیلی مؤثر باشد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که کمال‌گرایی منفی و اضطراب از عوامل مهم در تبیین گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری هستند و اضطراب می‌تواند شدت این رابطه را افزایش دهد. همچنین نشخوار فکری اگرچه به‌تنهایی پیش‌بینی‌کننده مستقیم تقلب نبود، اما در شرایط اضطراب بالا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین، برای کاهش تقلب تحصیلی باید به جای تمرکز صرف بر پیامدهای رفتاری، بر مداخله در عوامل هیجانی و شناختی زیربنایی تأکید شود.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهش‌های علوم رفتاری با محدودیت‌هایی همراه بود که لازم است در تفسیر و تعمیم نتایج مورد توجه قرار گیرد. نخست، این پژوهش بر روی دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان انجام شد؛ بنابراین تعمیم نتایج به سایر گروه‌های سنی، دانش‌آموزان عادی یا سایر مناطق جغرافیایی باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، روش پژوهش از نوع همبستگی بود؛ ازاین‌رو امکان استنتاج رابطه علت و معلولی میان متغیرها وجود ندارد و تنها می‌توان درباره وجود رابطه و پیش‌بینی بین متغیرها اظهار نظر کرد. همچنین استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر تمایل آزمودنی‌ها به پاسخ‌دهی اجتماعی یا پنهان کردن رفتارهای واقعی، به‌ویژه در زمینه تقلب تحصیلی، قرار گرفته باشد.

از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌توان به کنترل‌نشدن برخی متغیرهای مداخله‌گر مانند وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده، شیوه‌های فرزندپروری، حمایت اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و ویژگی‌های شخصیتی اشاره کرد که ممکن است بر گرایش به تقلب تحصیلی تأثیرگذار باشند. همچنین شرایط روانی و هیجانی دانش‌آموزان در زمان تکمیل پرسشنامه‌ها می‌توانست بر دقت پاسخ‌ها اثر بگذارد. علاوه بر این، پژوهش حاضر به بررسی چند متغیر روان‌شناختی محدود شد و احتمال دارد عوامل دیگری نظیر عزت‌نفس، خودکارآمدی تحصیلی، انگیزش پیشرفت و مهارت‌های مقابله‌ای نیز در تبیین گرایش به تقلب تحصیلی نقش داشته باشند که در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفتند.

پیشنهادهای پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده نقش سایر متغیرهای روان‌شناختی و خانوادگی مؤثر بر گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مورد بررسی قرار گیرد تا شناخت جامع‌تری از عوامل زمینه‌ساز این رفتار حاصل شود. همچنین انجام پژوهش‌های طولی و آزمایشی می‌تواند به تبیین دقیق‌تر روابط علی میان اضطراب، کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و تقلب تحصیلی کمک کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه در سایر مقاطع تحصیلی، شهرها و گروه‌های فرهنگی مختلف اجرا شود تا امکان مقایسه نتایج و افزایش قابلیت تعمیم یافته‌ها فراهم گردد. همچنین استفاده از روش‌های ترکیبی، از جمله مصاحبه و مشاهده در کنار پرسشنامه، می‌تواند به افزایش دقت داده‌ها و کاهش سوگیری پاسخ‌دهی



کمک کند. از نظر کاربردی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که لازم است مدارس و مراکز مشاوره برنامه‌هایی در زمینه کاهش اضطراب، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان و اصلاح باورهای کمال‌گرایانه منفی برای دانش‌آموزان طراحی و اجرا کنند. همچنین برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین و معلمان در زمینه شناسایی نشانه‌های اضطراب و رفتارهای ناسازگارانه تحصیلی می‌تواند در پیشگیری از گرایش به تقلب مؤثر باشد.

علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود مشاوران مدارس توجه بیشتری به وضعیت روان‌شناختی دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری داشته باشند و با آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، مدیریت استرس و افزایش خودکارآمدی تحصیلی، زمینه کاهش رفتارهای ناسازگارانه از جمله تقلب تحصیلی را فراهم سازند.

منابع

- بدلی، ع. (۱۴۰۴). اختلالات یادگیری دانش‌آموزان. در *اولین همایش بین‌المللی پژوهش‌های نوپدید در روانشناسی و علوم تربیتی*، اهواز.
- گل‌مکانی، م. (۱۴۰۴). نقش کمال‌گرایی بر اضطراب امتحان در دانش‌آموزان. در *چهارمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی تکاملی و تربیتی*، بندرعباس.
- نخستین، ر.، پرچمی، د.، شهری، م.، و سلندری، ف. (۱۴۰۴). بررسی رابطه کمال‌گرایی تحصیلی، اضطراب امتحان و رفتارهای اجتنابی دانش‌آموزان. در *اولین همایش بین‌المللی افق‌های تازه در روانشناسی یادگیری و آموزش و پرورش از دید معلم*، ارومیه.
- اسماعیلی، م.، و مرادی، ن. (۱۴۰۳). پیش‌بینی رفتارهای تقلبی براساس کمال‌گرایی منفی و اضطراب تحصیلی در دانش‌آموزان با اختلال یادگیری. *مجله علمی-پژوهشی آموزش و اصلاح*، 14 (1)، 35-52.
- بروکانلو مادلو، آ. (۱۴۰۳). بررسی علل تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی. *مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، 7 (69).
- بیراتی‌پور، ف. (۱۴۰۳). جستاری در تاثیر تقلب کردن دانش‌آموزان بر فرایند تحصیل آن‌ها. در *چهارمین همایش بین‌المللی علوم تربیتی*، مشاوره، روانشناسی و علوم اجتماعی، همدان.
- حسن‌نژاد، ی.، سهرابی، ه.، بارانی، آ.، و کرد، ع. (۱۴۰۳). بررسی انگیزه‌های دانش‌آموزان برای تقلب در امتحانات و راهکارهای مقابله با آن. در *اولین همایش بین‌المللی تحولات نوین در علوم تربیتی*، روانشناسی و آموزش و پرورش، ارومیه.
- رضوی رضائی، ش.، پورحمزه، ش.، و فاضل‌نیا، آ. (۱۴۰۳). بررسی علل تقلب در امتحانات و راه‌های پیشگیری آن. در *اولین همایش بین‌المللی تحولات نوین در علوم تربیتی*، روانشناسی و آموزش و پرورش، ارومیه.
- کاظمی، ع.، و مرادپور، ن. (۱۴۰۳). اثر کمال‌گرایی منفی و اضطراب بر تمایل به رفتارهای پرخطر تحصیلی با تأکید بر نقش نشخوارفکری. *پژوهشنامه روانشناسی تربیتی*، 17 (2)، 50-74.
- مرادی، ر.، منعمی، ا.، و عروجی، ف. (۱۴۰۳). تاثیر عوامل زمینه‌ای در تقلب تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی مدرسه پسرانه امام حسین (ع) در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲. در *اولین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در آموزش و پرورش در هزاره سوم*، بوشهر.



- نجاری، ف.، ثروت، خ.، نایبزاده گاوگانی، ن.، و روانخواه، س. (۱۴۰۳). رابطه کمال‌گرایی و نشخوار فکری و ذهنی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در پنجمین کنفرانس بین‌المللی سلامت، علوم تربیتی و روانشناسی.
- حسینی، م.، و همکاران. (۱۴۰۲). نقش تعدیلگر اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری. نشریه مطالعات روان‌شناسی تربیتی، 14 (2)، 59-78.
- کریمی، ع.، و شریفی، م. (۱۴۰۲). رابطه اختلال یادگیری، راهبردهای هیجانی و تخلفات تحصیلی در دانش‌آموزان پایه هشتم. مجله روان‌شناسی، 23 (2)، 250-264.
- موسوی، ف.، برجعلی، ف.، و عابدی، م. (۱۴۰۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه کوتاه پرسشنامه نشخوار فکری در دانش‌آموزان دبیرستانی. فصلنامه علوم شناختی، 24 (3)، 42-58.
- نوری، ف.، و همکاران. (۱۴۰۲). نقش اضطراب به‌عنوان تعدیلگر در رابطه نگرش به تقلب و مهارت‌های مقابله‌ای. نشریه روان‌شناسی اجتماعی، 14 (1)، 22-40.
- نوری، م.، عباسی، س.، و مرادپور، ص. (۱۴۰۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه کوتاه پرسشنامه اضطراب کودکان SCARED در نمونه‌ای از دانش‌آموزان ایرانی. فصلنامه روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان ایران، 10 (2)، 77-91.
- تاج‌بخش، م.، و رستمی، ر. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش تنظیم هیجان بر اضطراب و رفتارهای تحصیلی پرریسک دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری. مجله آموزش و سلامت کودک، 10 (1)، 65-78.
- رامین‌فر، س.، و یوسفی، م. (۱۴۰۱). بررسی رابطه ابعاد کمال‌گرایی با رفتارهای ناهنجار تحصیلی در حضور اضطراب. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، 10 (3)، 105-124.
- صبوری، س.، و همکاران. (۱۴۰۱). نقش عملکرد اجرایی، اضطراب و نشخوار فکری در پیش‌بینی رفتار تقلب تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری. مجله روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، 14 (2)، 110-129.
- محمدی، س.، و عابدی، ع. (۱۴۰۱). رابطه ابعاد کمال‌گرایی، اضطراب و نشخوار فکری با تمایل به تقلب در نوجوانان. پژوهش نوین در علوم تربیتی، 17 (4)، 89-105.
- ندری، س.، دل‌آذر، س.، و مرادپور، ص. (۱۴۰۱). ساخت و اعتباریابی نسخه کوتاه مقیاس کمال‌گرایی منفی در بین دانش‌آموزان متوسطه. پژوهشنامه روان‌شناسی نوین، 18 (2)، 15-30.
- امینی، ز.، و فراهانی، س. (۱۴۰۰). پیش‌بینی رفتارهای تقلب تحصیلی براساس سبک‌های مقابله‌ای و ویژگی‌های فردی در نوجوانان دارای اختلال یادگیری. مجله پژوهش در آموزش و یادگیری، 14 (2)، 211-223.
- امید، ع.، و سالاری، ف. (۱۴۰۰). اثر نشخوار فکری شناختی و اضطراب در بروز رفتارهای تقلبی در دبیرستان‌های ارومیه. مجله روان‌شناسی کاربردی، 12 (3)، 185-202.
- موسوی، ب.، و قاسمی، ن. (۱۴۰۰). نقش اضطراب، نشخوار فکری و کمال‌گرایی در پیش‌بینی گرایش به تقلب تحصیلی دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری ویژه. پژوهش‌های تربیتی، 12 (2)، 129-146.
- برجعلی، ب.، و عابدی، ر. (۱۳۹۹). نقش ویژگی‌های شخصیتی و اضطراب در پیش‌بینی نشخوار فکری دانش‌آموزان دوره اول متوسطه. مجله علم‌پروری روان‌شناسی بالینی، 11 (3)، 45-60.

- حمیدی، م.، و سبحانی‌نژاد، م. (۱۳۹۹). نقش محیط مدرسه و اضطراب در تقلب تحصیلی: نقش واسطه ای نشخوارفکری. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، 13 (4)، 59-44.
- گودرزی، ک.، سلیمانی، ع.، و قلعه‌بانی، ا. (۱۳۹۷/۱۴۰۰). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه نشخوارفکری دانش‌آموزان. مطالعات روان‌شناسی، 13 (3)، 47-27.
- ابراهیمی، م.، و علوی، س. (۱۳۹۳). اعتباریابی مقیاس گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان ایرانی. پژوهش‌های تربیتی، 20 (1)، 65.50-
 - Ahmadi, M., & Najafali Ghandehari, N. (2023). The mediating role of social support in the relationship between perfectionism and social self-efficacy. *Journal of Psychological Researches in Management*, 9(1), 201-224.
 - Abbasi, M., & Gheirati, S. (2022). The relationship between mental depression, depressive symptoms, and anxiety in children with special learning disorders mediated by parental stress. *Journal of Learning Disabilities*, 11(4), 46-61.
 - Aro, T., Eklund, K., Eloranta, A.-K., Ahonen, T., & Rescorla, L. (2022). Learning disabilities elevate children's risk for behavioral-emotional problems: Differences between LD types and gender. *Journal of Learning Disabilities*, 55(3), 180-192.
 - Afshar, M., Saeed, A. A., & Naderi, S. (2020). The relationship between cognitive emotion regulation, academic stress, and academic dishonesty in students with special learning disabilities. *Educational Psychology Research*, 41(3), 289-307.
 - Amstad, M., & Müller, C. M. (2020). Students' problem behaviors as sources of teacher stress in special needs schools for individuals with intellectual disabilities. *Frontiers in Education*, 4, 159.
 - Arabi, Z., Moghaddam, L. F., & Sahebalzamani, M. (2020). The effect of emotion regulation training on family relationships of hyperactive children. *Journal of Education and Health Promotion*, 9, 101.